

مکاشفہ عیسیٰ مسیح . شمارہ پانزدہم

ہفتمین مہر و گشودہ شدن حقیقت نبوتی

Jeff Pippenger

2023-11-13

اور جب اُس نے ساتویں مہر کھولی تو آسمان میں قریب آدھے گھنٹے تک خاموشی رہی۔ اور میں نے اُن سات فرشتوں کو دیکھا جو خدا کے حضور کھڑے رہتے ہیں؛ اور انہیں سات نرسنگے دیے گئے۔ پھر ایک اور فرشتہ آیا اور قربان گاہ پر کھڑا ہوا، اُس کے پاس سونے کا ایک عوددان تھا؛ اور اُسے بہت سا بخور دیا گیا تاکہ وہ اُسے سب مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ اُس سونے کی قربان گاہ پر جو تخت کے سامنے تھی، چڑھائے۔ اور بخور کا دھواں، جو مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ تھا، فرشتے کے ہاتھ سے خدا کے حضور اوپر کو چڑھ گیا۔ پھر فرشتے نے عوددان لیا، اور اُسے قربان گاہ کی آگ سے بھر کر زمین پر ڈال دیا؛ اور آوازیں، اور گرجیں، اور بجلیاں، اور ایک زلزلہ پیدا ہوا۔ مکاشفہ 8:1-5۔

ما در حال پرداختن به افاضہ آتش مقدس از قدس آسمانی ہستیم، در خلال آن دورہ از تاریخ کہ ایالات متحدہ خواہد خواست از آسمان اول آتشی نامقدس فرو آورد۔ مکاشفہ آنچہ ہفت رعد در باب دہم کتاب مکاشفہ گفتند، می بایست تا اندکی پیش از بستہ شدن مہلت آزمایش مہر شود۔ مہلت آزمایش نیز ہنگامی کہ مہر ہفتم گشودہ می شود، چنین بہ تصویر کشیدہ شدہ است کہ بر آستانہ بستہ شدن قرار دارد۔

اور اُس نے مجھ سے کہا، اِس کتاب کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ لگا، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ جو ناراست ہے، وہ ناراست ہی رہے؛ اور جو ناپاک ہے، وہ ناپاک ہی رہے؛ اور جو راست باز ہے، وہ راست باز ہی رہے؛ اور جو مقدس ہے، وہ مقدس ہی رہے۔ مکاشفہ 22:10، 11۔

گشودہ شدن مہر ہفتم در حالی رخ می دهد کہ آن ہفت فرشتہ آمادہ می شوند تا بنوازند۔

و آن ہفت فرشتہ کہ ہفت کرنا را داشتند، خود را مہیا ساختند تا بنوازند۔ مکاشفہ 8:6۔

ہنگامی کہ مہلتِ آزمون بہ پایان می رسد، «ہیچ کس» «نمی تواند بہ ہیکل داخل شود»، زیرا شفاعتِ مسیح برای گناہان انسان ہا پایان یافتہ است۔ مہلتِ آزمون پایان یافتہ است، و بہ ہفت فرشتہ فرمان دادہ می شود کہ پیالہ های خشم خدا را فرو ریزند۔

و معبد از دود جلال خدا و از قدرت او پر شد؛ و ہیچ کس نتوانست بہ معبد درآید تا آن گاہ کہ ہفت بلای ہفت فرشتہ بہ انجام رسد۔ و آوازی بلند از معبد شنیدم کہ بہ آن ہفت فرشتہ می گفت: بروید و پیالہ های غضبِ خدا را بر زمین بریزید۔ مکاشفہ 15:8، 16:1۔

ہیچ نشانہ ای وجود ندارد کہ ہفت فرشتہ ای کہ در باب های نهم تا یازدہم مکاشفہ ہفت شیپور را می نوازند، با ہفت فرشتہ ای کہ ہفت بلای آخر را فرو می ریزند، متفاوت باشند۔ برعکس، ویژگی های نبوی داوری هایی کہ بہ وسیلہ ہفت شیپور نمادپردازی شدہ اند، با جایگاہ و آثار ہفت پیالہ غضبِ خدا در باب شانزدہم ہم سو و موازی اند۔ و بہ عنوان پیوندی مستقیم تر، داوری های شیپور ہا صریحاً بلاہا نامیدہ شدہ اند۔

و باقی مردمانی کہ بہ این بلاہا کشتہ نشدند، باز از اعمال دست های خویش توبہ نکردند، تا دیوہا و بت های زرین و سیمین و برنجین و سنگی و چوبین را نپرستند؛ همان ہا کہ نہ می توانند دید، نہ شنید، و نہ راہ رفت۔ مکاشفہ 9:20

گشایش مَهر هفتم عمداً در بستر نزدیکی پایان زمان مهلتِ توبه قرار داده شده است. مَهر هفتم نمایانگر شاهدهی دوم است بر آنچه هفت رعد «گفتند»، که یوحنا و نیز پولس از نوشتن آن منع شده بودند.

اور وه بلند آواز سے پکارا، جیسے شیر دھاڑتا ہے؛ اور جب وه پکار چکا تو سات گرجوں نے اپنی آوازیں نکالیں۔ اور جب سات گرجوں نے اپنی آوازیں نکال لیں تو میں لکھنے ہی والا تھا؛ اور میں نے آسمان سے ایک آواز سنی جو مجھ سے کہتی تھی، اُن باتوں پر مہر کر دے جو سات گرجوں نے بیان کی ہیں، اور انہیں نہ لکھ۔ مکاشفہ 10:3، 4.

آنچه هفت رعد «گفتند» مَهر شد، و در فصل بیست و دو، نبوتی که در کتاب مکاشفہ مَهر شده بود، می بایست گشوده شود؛ و همان گونه که در مورد مَهر هفتم بود، این نیز می بایست درست پیش از بسته شدن مهلتِ فیض گشوده گردد.

خواهر وایت تصریح می کند که مَهر و موم شدن آنچه هفت رعد «گفتند» همان عملِ شیر سبطِ یهودا را نمایان می ساخت؛ همان گونه که او به دانیال فرمان داد کتاب خود را تا زمانِ آخر مَهر و موم کند. کتاب های دانیال و مکاشفہ یک کتاب واحدند، و در مکاشفہ، عیسی آن گاه که کتابِ مَهر شده به هفت مَهر را می گشاید، به صورتِ شیر سبطِ یهودا معرفی می شود؛ از این رو همان شیر سبطِ یهودا بود که به دانیال نیز فرمان داد کتاب خود را تا زمانِ آخر مَهر و موم کند. شیر سبطِ یهودا همان کسی است که کلام خود را مَهر و موم می کند و از مَهر بیرون می آورد، زیرا او خود کلام است.

«پس از آن که این هفت رعد صدا های خود را بر آوردند، این فرمان به یوحنا می رسد، همان گونه که درباره کتاب کوچک به دانیال رسید: "آنچه را هفت رعد گفتند، مَهر کن."» The Seventh-day Adventist Bible Commentary جلد ۷، ص. ۹۷۱.

شواهد درونی در کتاب های دانیال و مکاشفہ نشان می دهند که گشوده شدن مَهر هفتم، شاهد دومی بر گشوده شدن آن چیزی است که هفت رعد بیان کردند. هم گشوده شدن کتاب دانیال و هم گشوده شدن کتابی که با هفت مَهر مَهر شده بود، نشان می دهند که حقایقی که هنگام گشوده شدن یک پیام نبوی آشکار می شوند، ماهیتی تدریجی دارند. از همین روست که کتاب دانیال آن را افزایشی در معرفت معرفی می کند، و کتاب مکاشفہ آن را به صورت برداشته شدن یک مَهر پس از مَهری دیگر به تصویر می کشد.

این نوری است که تا روز کامل هر دم درخشان تر و درخشان تر می شود.

اما راه عادلان همچون نور تابان است، که تا روز کامل، پیوسته فروزان تر می گردد. امثال ۴:۱۸.

جب "حق" پر سے مہر اٹھا دی جاتی ہے تو وہ تدریجاً منکشف ہوتا ہے۔

«اگر برای قوم باستانی خدا لازم بود که بارها و بارها رفتارهای او را با ایشان، در رحمت و داوری، در مشورت و توبیخ، به یاد آورند، به همان اندازه مهم است که ما نیز حقایقی را که در کلام او به ما سپرده شده است مورد تأمل قرار دهیم—حقایقی که اگر به آنها توجه شود، ما را به فروتنی و تسلیم و اطاعت از خدا رهنمون خواهد ساخت. ما باید به واسطه حقیقت تقدیس شویم. کلام خدا برای هر عصر، حقایق ویژه ای عرضه می دارد. رفتارهای خدا با قوم خود در گذشته باید مورد توجه دقیق ما قرار گیرد. ما باید درس هایی را که مقصود از آنها تعلیم ماست، بیاموزیم. اما نباید به آنها بسنده کنیم و بدانها قانع بمانیم. خدا قوم خود را گام به گام به پیش می برد. حقیقت تدریجی است. جوینده مخلص، پیوسته از آسمان نور دریافت خواهد کرد. «حقیقت چیست؟» باید همواره پرسش ما باشد.» Signs of the Times, May 26, 1881.

در پایان ماه ژوئیه سال ۲۰۲۳، مکاشفه عیسی مسیح آغاز به گشوده شدن کرد.

همان گونه که مَهر هفتم و نیز گفتارهای هفت رعد، مکاشفه عیسی مسیح نیز اندکی پیش از بسته شدن مهلت آزمایش گشوده می شود. این، سومین شاهد همان پیامی را فراهم می آورد که با برداشته شدن مهر هفتم و هفت رعد به تصویر کشیده شده است. این سه بازنمایی در کتاب مکاشفه، سه شاهدند که در کنار هم پیام مکاشفه عیسی مسیح را تشکیل می دهند. گشوده شدن این سه شاهد تدریجی است. آثار آن نیز تدریجی است.

«اطاعت از شریعت خدا، تقدیس است. بسیاری هستند که درباره این عمل در نفس، تصورات نادرست دارند؛ اما عیسی دعا کرد که شاگردانش به واسطه راستی تقدیس شوند، و افزود: "کلام تو راستی است" (17:17) (17:17) تقدیس کاری آبی نیست، بلکه عملی تدریجی است، همان گونه که اطاعت امری پیوسته است. تا زمانی که شیطان و سوسه های خود را بر ما وارد می سازد، نبرد برای چیرگی بر خویشتن باید بارها و بارها جنگیده شود؛ اما به واسطه اطاعت، راستی نفس را تقدیس خواهد کرد. آنان که به راستی وفادارند، از طریق استحقاقات مسیح، بر هر ضعفی منبسط می شوند که موجب شده است با هر اوضاع و احوال متغیر زندگی شکل بگیرند، غلبه خواهند یافت. Faith and Works, 85

انتشار تدریجی فهم مکاشفه یسوع مسیح کا آغاز جولائی 2023 کے آخر میں ہوا۔ اُن سچائیوں کو سمجھنے کا عمل، جن کی اشاعت اُس وقت شروع ہوئی، 18 جولائی 2020 کے کچھ ہی عرصہ بعد شروع ہوا۔

حقیقتی کہ در پیام گشوده شدن مَهر هفتم شناخته می شود، به نشانه راه فریاد نیمه شب می پردازد. فریاد نیمه شب در تاریخ میلریتی، تکامل تدریجی حقیقت بود، و این واقعیت را می توان با مروری تاریخی بر کار ساموئل اسنو نشان داد. عیسی حرکت فرشته سوم را با حرکت فرشته اول تصویر می کند، زیرا او همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد.

र, समझ भन्ने हुनुहुन्छ को परमेश्वर, गर्छन् निर्माण सन्देशको पुकार मध्यरात्रिको आएर एकसाथ जो, सत्यहरू ऐतहासिक तयस सत्यहरूमा ती हुन्। बुझाइ भन्ने छ गरिएको प्रकट कसरी वचनमा उहाँको चरित्र उहाँको घोषणा सन्देशको पुकार मध्यरात्रिको अन्ततः जसलाई, छ समावेश पन विर्णन वसित्तु अतः प्रक्रियाको गराउँछ। पहिचान प्रक्रियालाई ऐतहासिक तयस नै इतिहासले गुप्त गर्जनहरूको सात गर्नेछन्। पूरा गर्नेहरूले समयवधतिरफ तयस प्रकाशन यसको तर, हो अंश एक प्रक्रियाको ऐतहासिक वसित्तु तयस मोहोर सातौं चवालीस लाख एक यसरी; हुन्छ आरम्भ हुँदा पूर्ण रूपले अन्तमि सन्देश पुकार मध्यरात्रिको जुन, छ निर्देशित पुकार मध्यरात्रिको हटाइ क्रमिक मोहोरको सातौं गर्दै। चहिनति समयलाई भएको सम्पन्न मोहोरबन्दी हजारको सभाद्वारा-शविरि एक्सेटर भएको गर्मीमा को १८४४ जसरी, हुन्छ आरम्भ भएपछि विकसित पूर्णतया सन्देश व्यक्तित्व तपाईंको लागी आउनका सभामा-शविरि एक्सेटर तपाईंलाई लेखहरूले यी छ। गरिएको चरित्रति गर्छन्। प्रस्तुत नमिन्तरणा

هنگامی که مَهر هفتم گشوده می شود، آتشی از مذبح بر زمین افکنده می شود، و «صداها و رعداها و برق ها و زلزله ای» پدید می آید. «صدا» نمایانگر شیپور است.

با صدای بلند ندا کن، دریغ مکن، آواز خویش را همچون کرنا برآور، و به قوم من عصیان ایشان را بنمایان، و به خاندان یعقوب گناهانشان را. اشعیا 58:1.

صدای کرنا پیامی را معرفی می کند که هشدار دآوری قریب الوقوع را در بر دارد. هنگامی که اشعیا به قوم خدا فرمان می دهد که آواز خود را چون کرنا بلند کنند، باید با صدای بلند «ندا دهند». پیام ندای نیمه شب اندکی پیش از ساعت زلزله قانون یکشنبه گشوده می شود. پیام ندای نیمه شب که درست

پیش از قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد گشوده می‌شود، همان پیامی است که به فریادی بلند اوج می‌گیرد. هنگامی که اشعیا می‌گوید: «بلند ندا ده»، او به ترکیبی از فریاد بلند فرشته سوم اشاره دارد، که همان صدای دومی است که به پیام ندای نیمه‌شب می‌پیوندد. پیام بلند ندای نیمه‌شب هشدار است از کرنای هفتم، که همان وای سوم است. قوم خدا باید درک کنند که وقتی آن پیام کرنا نواخته می‌شود، در واپسین لحظات زمان امتحان خویش هستند. از این رو، فرمان اشعیا هشدار است برای آماده شدن جهت پایان زمان امتحان، هشدار که داوری کرنایی وای سوم اسلام در شرف آن است که به سبب رد سبت خدا بر ایالات متحده فرود آید. در زمان قانون یکشنبه، ندای نیمه‌شب، که نخستین دو «صدا» در مکاشفه فصل هجده است، به فریادی بلند اوج می‌گیرد؛ در حالی که دیگر فرزندان خدا که هنوز در بابل هستند، فراخوانده می‌شوند تا از آن بیرون آیند.

«حقیقت حاضر، یعنی پیام فرشته سوم، باید با آوازی بلند اعلام شود»، یعنی با قدرتی فزاینده، هرچه به آزمون بزرگ نهایی نزدیک‌تر می‌شویم. The 1888 Materials, 710.

«قدرت فزاینده» ی «فریاد بلند» فرشته سوم در سینا به گونه‌ای نمادین پیش‌نمایی شد، آنگاه که ده فرمان به وسیله خود یهوه اعلام گردید. در آن واقعه، آوای کرنا، هم‌زمان با لرزیدن کوه و برخاستن دود از آن، فزونی می‌یافت. ترس چنان عظیم بود که حتی موسی نیز به شدت می‌لرزید. آنگاه قوم با ترس «صداها» خود را بلند کردند و درخواست نمودند که «صدای» خدا دیگر طنین نیفکند.

اور نرسنگے کی آواز، اور کلام کی آواز؛ جس آواز کو سن کر سننے والوں نے درخواست کی کہ یہ کلام ان سے پھر نہ کہا جائے: (کیونکہ وہ اس حکم کی برداشت نہ کر سکے، کہ اگر کوئی جانور بھی پہاڑ کو چھو لے تو وہ سنگسار کیا جائے، یا تیر سے مارا جائے: اور وہ منظر ایسا ہیبت ناک تھا کہ موسی نے کہا، میں نہایت ڈرتا اور کانپتا ہوں:) عبرانیوں 12:19-21.

وہ "آواز" جو "انہوں نے" "سنی" تھی، تیسرے فرشتہ کے انتباہی پیغام کی "آواز" کی نمائندگی کرتی ہے۔ وہ خوفناک اذیت میں اپنی ہی "آوازیں" کے ساتھ جواب دیتے ہیں۔ اتوار کے قانون کے وقت کی آوازیں اُن پر وقوف کنواریوں سے بھی ظاہر کی گئی ہیں جو تیل مانگ رہی ہیں، اور عقلمند کنواریوں کی آوازیں اُن سے کہتی ہیں کہ اپنے لیے جا کر خرید لو۔ انسانی مہلت آزمائش کے اختتام پر، اُن لوگوں کی "آوازیں" جو یہ پہچان لیتے ہیں کہ وہ ہلاک ہو چکے ہیں، جیسا کہ اتوار کے قانون کے وقت یوقوف ایڈونٹسٹ کنواریاں، چٹانوں اور پہاڑوں سے فریاد کرتی ہیں کہ وہ اُن پر آگریں۔ اتوار کا قانون کوه سینا پر شریعت دے جانے سے ممثل ہے۔

«در آن تجلیات شگفت‌انگیز قدرت الهی در آن مناسبت solemn—آواهای اسرارآمیز شیپور که هرچه بیشتر اوج می‌گرفت و هولناک‌تر می‌شد، غرش‌های رعد که از هر دامنه کوه باز می‌پیچید، درخشش برق که بلندی‌های سخت و پرهیبت را روشن می‌ساخت، و بر فراز سینا، در میان ابر و توفان و ظلمت غلیظ، جلال خدا همچون آتشی سوزاننده—در برابر این نشانه‌های حضور یهوه، دل‌های اسرائیل از ترس فرو ریخت، و تمامی جماعت «از دور ایستادند». حتی موسی نیز ندا برآورد: «من بسیار می‌ترسم و می‌لرزم.» سپس، بر فراز عناصر در ستیز، آواز یهوه شنیده شد که ده فرمان شریعت خود را بیان می‌کرد.»

«چون آیینۀ عظیم خداوند حالت حقیقی ایشان را بر قوم اسرائیل آشکار ساخت، جان‌هایشان از هراس لبریز شد. قوت هولناک سخنان خدا برای پیکرهای لرزان ایشان بیش از آن می‌نمود که بتوانند تحمل کنند. از موسی التماس کردند: "تو با ما سخن بگو، و ما خواهیم شنید؛ اما خدا با ما سخن نگوید، مبادا بمیریم." هنگامی که معیار عظیم حق خدا در برابر ایشان نهاده شد، آنان، بیش از هر زمان دیگر، به ماهیت نفرت‌انگیز گناه و نیز به تقصیر خویش در نظر خدای پاک و قدوس پی بردند.» Signs of the Times, March 3, 1881.

هنگامی که آتش مذبح بر زمین افکنده می‌شود، «صداها، و رعداها، و برق‌ها، و زلزله‌ای» پدید می‌آید. «رعد و برق» نمادهای داوریهایی خدا هستند. در هنگام قانون یک‌شنبه، ایالات متحده «جام بی‌عدالتی» خود را به‌طور کامل پر خواهد کرده بود، و «ارتداد ملی، به‌دنبال آن خرابی ملی خواهد آمد.» «جام بی‌عدالتی» در نسل چهارم پر می‌شود، زیرا هر دو شاخ وحش برآمده از زمین در طی چهار نسل تمرّد فزاینده پیش می‌روند. قانون یک‌شنبه نقطه‌ای را مشخص می‌سازد که در آن داوریهایی خدا، که به‌وسیله «رعداها و برق‌ها» نمود یافته‌اند، فرو فرستاده می‌شوند، و این داوریهایی بر نسل چهارم فرود می‌آیند.

دربارۀ اموریان، خداوند فرمود: «در نسل چهارم به اینجا بازخواهند گشت، زیرا گناه اموریان هنوز به کمال نرسیده است.» با آنکه این قوم به سبب بت‌پرستی و فساد خویش آشکارا ممتاز بود، هنوز پیمانۀ گناه خود را لبریز نکرده بود، و خدا فرمان نابودی کامل آنان را صادر نمی‌کرد. مردم می‌بایست قدرت الهی را به‌گونه‌ای آشکار مشاهده کنند، تا هیچ عذری برای ایشان باقی نماند. آفریدگار مشفق می‌خواست تا نسل چهارم شکیبایی ورزد و گناه ایشان را تحمل کند. سپس، اگر هیچ دگرگونی به سوی صلاح دیده نمی‌شد، داوریهایی او بر آنان فرود می‌آمد.

«با دقتی خطاناپذیر، آن موجود لایتناهی هنوز با همهٔ امت‌ها حسابی نگاه می‌دارد. تا زمانی که رحمت او همراه با فراخوان‌هایی به توبه عرضه می‌شود، این حساب باز خواهد ماند؛ اما هنگامی که ارقام به مقدار معینی که خدا تعیین کرده است برسد، خدمت غضب او آغاز می‌گردد. حساب بسته می‌شود. شکیبایی الهی پایان می‌پذیرد. دیگر هیچ استغاثه‌ای از رحمت به نفع ایشان وجود ندارد.» Testimonies, volume 5, 208.

خواهر وایت داوریهایی را که با قانون یک‌شنبه آغاز می‌شوند، «داوریهایی هلاکت‌بار خدا» می‌نامد. او تعلیم می‌دهد که برای ادونت‌یست‌های لائودیکه‌ای جاهل، که در نیمه‌شب فرصتی برای آماده شدن جهت بحران داشتند اما از انجام آن سر باز زده بودند، دیگر بسیار دیر شده است. آن زمان داوریهایی هلاکت‌بار برای باکره‌های جاهل، «زمانی از رحمت» برای کسانی است که هنوز حقیقت را نشنیده بودند.

«کاش قوم زمان تفقّد خود را می‌شناختند! بسیاری هستند که هنوز حقیقت آزمون‌کنندهٔ مخصوص این زمان را نشنیده‌اند. بسیاری هستند که روح خدا با آنان در کشاکش است. زمان داوریهایی هلاک‌کنندهٔ خدا، برای کسانی که فرصتی برای آموختن آنچه حق است نداشته‌اند، زمان رحمت است. خداوند با مهربانی لطیف بر آنان نظر خواهد کرد. دل رحمت‌آمیز او به شفقت آمده است؛ دست او هنوز برای نجات دراز است، حال آنکه در بر روی کسانی بسته شده است که نخواستند داخل شوند.» Testimonies, volume 9, 97.

هنگامی که مهر هفتم گشوده می‌شود، «صداها، و رعداها، و برق‌ها، و زلزله‌ای» پدید می‌آید. «ساعت»ی که در آن «زلزله» مکاشفۀ یازده نخستین بار به انجام رسید، انقلاب فرانسه بود، و تحقق کامل آن «ساعت»، «زلزله» وحش «زمین» است، در قانون یک‌شنبه به‌زودی آینده. در همان «ساعت» است که مهر هفتم به‌طور کامل گشوده می‌شود. صلیب نمونۀ قانون یک‌شنبه است، و در هنگام صلیب زلزله عظیمی روی داد.

عیسی نے پھر بلند آواز سے پکار کر اپنی روح سپرد کر دی۔ اور دیکھو، ہیکل کا پردہ اوپر سے نیچے تک دو ٹکڑے ہو گیا؛ اور زمین لرز اٹھی، اور چٹانیں پھٹ گئیں۔ متی 25:51.

بر صلیب، پادشاهی شیطان‌ی سرنگون شد، چنان‌که در زمان قانون یک‌شنبه نیز خواهد شد.

իր կյանքը չհանձնեց, մինչև որ չէր կատարել այն գործը, որին համար եկել 758»
 Եր անելու, և իր վերջին շնչով բացականչեց. «Կատարված է»: Հովհաննես 19:30:
 Մարտը շահված էր: Նրա աջ ձեռքն ու Նրա սուրբ բազուկը Նրան հաղթանակ
 էին բերել: Որպես Հաղթող՝ Նա իր դրոշը կանգնեցրեց հավիտենական
 բարձունքների վրա: Մի՞թե իրեշտականների մեջ ուրախություն չկար: Ամբողջ
 երկինքը ցնծաց Փրկչի հաղթանակով: Սատանան պարտված էր և գիտեր, որ իր
 թագավորությունը կորսված է»: The Desire of Ages, 758»

زلزلۀ صلیب نمایانگر «حقیقت» است، که آلفا و امگا می باشد. «حقیقت» آغاز، میانه و پایان است؛ این همان واژه عبری ای است که از به هم پیوستن نخستین، سیزدهمین و آخرین حرف الفبای عبری پدید آمده است. هنگامی که مسیح جان سپرد، زلزله ای روی داد و سپس در رستخیز او نیز زلزله ای دیگر رخ داد. در صلیب، نخست زلزله ای بود، سپس قبر، و آنگاه زلزله رستخیز او. در هر دو زلزله، قبرها گشوده شدند.

«هنگامی که عیسی، در حالی که بر صلیب آویخته بود، فریاد برآورد: "تمام شد"، صخره ها شکافته شدند، زمین لرزید، و برخی از قبرها گشوده شد. هنگامی که او، پیروز بر مرگ و قبر، برخاست، در حالی که زمین در تلاطم بود و جلال آسمان پیرامون آن مکان مقدس می درخشید، بسیاری از عادلان مرده، در اطاعت از ندای او، بیرون آمدند تا گواهان این باشند که او قیام کرده است. آن مقدسان برخاسته و سعادتمند، با جلال بیرون آمدند. آنان برگزیدگان و مقدسان همه اعصار بودند، از آفرینش تا حتی روزگار مسیح. بدین سان، در حالی که رهبران یهود در پی آن بودند که واقعیت قیام مسیح را پنهان سازند، خدا برگزید تا گروهی را از قبرهایشان برخیزاند تا شهادت دهند که عیسی قیام کرده است و جلال او را اعلام نمایند.» Early Writings, 184.

در نخستین زلزله، قبرها گشوده شد، و در آخرین زلزله، قبر مسیح گشوده شد. در مکاشفه باب یازدهم، آن دو شاهد در همان ساعتی که زلزله واقع می شود، از قبرهای خود بیرون می آیند. زلزله همان قانون یکشنبه است که به وسیله صلیب نمونه وار گردیده است. بنابراین، در ساعت قانون یکشنبه دو قیامت باید واقع شود. نخستین، نمایانگر تولد آن صد و چهل و چهار هزار است که پیش از آن که زن درد زایمان بکشد رخ می دهد؛ دومین، در هنگام درد زایمان او واقع می شود. زن مکاشفه باب دوازدهم نخست آن طفل ذکور را که باید امت ها را با عصای آهنین حکومت کند، بدون هیچ درد زایمانی می زاید. سپس در زمان قانون یکشنبه، دردهای زایمان او آغاز می شود و فرزند دوم را به دنیا می آورد. نخست، ایلیا را می زاید و در آخر، موسی را می زاید. قانون یکشنبه ساعت قیام دو قلوهای مکاشفه باب هفتم است.

هنگامی که مهر هفتم در زمان قانون یکشنبه به طور کامل گشوده شود، در آسمان به مدت نیم ساعت سکوت برقرار می گردد.

«اما خدا با پسر خویش رنج کشید. فرشتگان جان گندن نجات دهنده را نظاره کردند. آنان دیدند که خداوندشان در محاصره لژیون های نیروهای شیطانی قرار گرفته بود و سرشت او زیر بار هراسی لرزان و رازآلود سنگین شده بود. در آسمان سکوت حکم فرما بود. هیچ چنگی نواخته نشد. اگر فانیان می توانستند شگفتی سپاه فرشتگان را ببینند، آنگاه که در اندوهی خاموش می نگرستند که پدر، پرتوهای نور و محبت و جلال خویش را از پسر محبوبش جدا می ساخت، بهتر درمی یافتند که گناه در نظر او تا چه اندازه نفرت انگیز است.» آرزوی اعصار، 693.

پہلے گھنٹے کے زلزلے کا ابتدائی آدھا گھنٹہ، دو گواہوں کی پہلی پیدائش یا قیامت کی نمائندگی کرتا ہے۔ اس آدھے گھنٹے میں دو گواہوں پر مہر کی جاتی ہے۔ انہیں اتوار کے قانون سے پہلے ہی مہر بند کیا جانا لازم ہے، کیونکہ وہی وہ علم ہیں جو باقی ماندہ آدھے گھنٹے کے دوران دوسرے بچے کو قبر سے باہر بلاتا

ۛے۔ دوسرا بچہ صرف اسی صورت میں زندگی میں لایا جا سکتا ۛے کہ وہ اتوار کے قانون کے بحران کی زچگی کی تکالیف کے دوران خدا کی مہر رکھنے والے مردوں اور عورتوں کو دیکھے۔

Svetega Duha je, da svet prepriča o grehu, o pravičnosti in o sodbi. Svet je 1903,, mogoče posvariti samo tako, da vidi tiste, ki verujejo resnici, posvečene po resnici, kako ravnajo po vzvišenih in svetih načelih ter v visokem, vzvišenem smislu kažejo razločevalno mejo med tistimi, ki izpolnjujejo Božje zapovedi, in tistimi, ki jih teptajo pod svojimi nogami. Posvečenje po Duhu označuje razliko med tistimi, ki imajo Božji pečat, in tistimi, ki se držijo lažnega dneva počitka. Ko pride preizkus, bo jasno pokazano, kaj je znamenje zveri. To je obhajanje nedelje. Tisti, ki po tem, ko so slišali resnico, še naprej imajo ta dan za svet, nosijo podpis človeka greha, ki si je domišljjal spremeniti čase in postavo.“ Bible Training School, 1. december 1903,,

نخست زادگان زن همان یکصد و چهل و چهار هزار نفری هستند که در کتاب مکاشفه به عنوان نوبرگان معرفی شده اند. آنان آن نشانه ای را نمایندگی می کنند که گله دیگر باید آن را در بحران و کشمکش نبرد قانون یکشنبه تشخیص دهد. آن نشانه، سبت است که آن یکصد و چهل و چهار هزار تن در زمانی که نگاه داشتن آن غیرقانونی است، از آن پاسداری می کنند. خواهر وایت پرچم ایشان را «درفش خون آلود شاهزاده عمانوئیل» می خواند.

«در رؤیا دیدم که دو سپاه در نبردی هولناک با یکدیگر درگیر بودند. یک سپاه را بیرق هایی که نشان جهان را بر خود داشتند رهبری می کرد؛ و سپاه دیگر را بیرق خون آلود شاهزاده عمانوئیل. پرچم پس از پرچم بر خاک افکنده می شد، زیرا گروهی پس از گروهی از سپاه خداوند به دشمن می پیوستند، و قبیله ای پس از قبیله ای از صفوف دشمن با قوم فرمان نگه دار خدا متحد می گردیدند. فرشته ای که در وسط آسمان پرواز می کرد، بیرق عمانوئیل را به دست های بسیاری می سپرد، در حالی که سرداری نیرومند با آوازی بلند ندا می داد: “در صف بایستید. آنان که به احکام خدا و شهادت مسیح وفادارند، اکنون جایگاه خود را بگیرند. از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید، و به چیز ناپاک دست مزیند، و من شما را خواهم پذیرفت، و برای شما پدر خواهم بود، و شما پسران و دختران من خواهید بود. هر که می خواهد، به یاری خداوند برآید، به یاری خداوند بر ضد زورآوران.”» شهادت ها، جلد 8، 41.

پرچم خون آلود همان چیزی است که گله دیگر خدا باید در زمان بحران قانون یکشنبه ببیند. این پرچم نوری در حال طلوع است که به وسیله یکصد و چهل و چهار هزار حمل می شود. آن پرچم به رنگ سرخ است، زیرا پرچمی خون آلود است. آن پرچم در نبرد آریحا نمونه وار ظاهر شد، هنگامی که راحاب جاسوسان را پذیرفت و از آنان محافظت کرد، و سپس با قرار دادن رشته ای سرخ از پنجره خود، تسلیم خویش را به سپاه یوشع اعلام نمود. راحاب نمایانگر فرزندان نخست زاده دوم خدا در بحران قانون یکشنبه است، که علامت سرخ را می بینند و می پذیرند، و در اطاعت از سپاه یوشع داخل می شوند. رشته سرخی که راحاب به کار برد، نشانه ای برای سپاه یوشع بود تا خاندان راحاب را هلاک نکنند.

راحاب نماینده کسانی است که در بحران قانون یکشنبه هنوز در بابل هستند، و لشکر یوشع نماینده نخست زادگان صد و چهل و چهار هزار نفر است. نخ سرخ نماد سبت خداست. نخ سرخ فرمانی بود از سوی جاسوسان که به راحاب داده شد و او می بایست از آن پیروی کند اگر می خواست حفاظت خدا را به دست آورد.

.He aquí, cuando entremos en la tierra, atarás este cordón de hilo escarlata en la ventana por la cual nos descolgaste; y reunirás en tu casa a tu padre, a tu madre, a tus hermanos y a toda la casa de tu padre. Josué 2:8

نشانه‌ای که آنان که هنوز در بابل اند باید ببینند، به وسیله رشته قرمز لاکی نمودار می‌شود، که همان سبت است، اما در عین حال تمایز میان آن دو دوقلو را نیز مشخص می‌سازد. دوقلوی نخست زاده همان صد و چهل و چهار هزار نفر است، زیرا آنان در دستان خود علم خون‌آلود شاهزاده عمانوئیل را حمل می‌کنند.

و او برای امت‌ها علم برپا خواهد کرد، و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد نمود. حسادتِ افرایم نیز زایل خواهد شد، و دشمنان یهودا منقطع خواهند گردید؛ افرایم بر یهودا حسد نخواهد برد، و یهودا افرایم را نخواهد آزد. بلکه بر شانه‌های فلسطینیان به سوی مغرب فرود خواهند آمد؛ و با هم اهل مشرق را تاراج خواهند کرد؛ و دست خود را بر ادوم و موآب خواهند نهاد؛ و بنی‌عمون مطیع ایشان خواهند شد. اشعیا 14-11:12.

نخست‌زادِ دوگانه دارای نشانِ سرخ است، که همان رشته سرخی است که نخست‌زاد را مشخص می‌کند. نخست‌زادِ این دوگانه زارح است، و دومین مولود فارص.

اور ایسا هوا که اُس کے درد زہ کے وقت، دیکھو، اُس کے رحم میں جڑواں تھے۔ اور ایسا هوا کہ جب وہ جننے لگی تو ایک نے اپنا ہاتھ نکالا؛ تب دایہ نے لے کر اُس کے ہاتھ پر سرخ دھاگا باندھا اور کہا، یہ پہلے نکلا۔ اور ایسا هوا کہ جب اُس نے اپنا ہاتھ واپس کھینچ لیا، تو دیکھو، اُس کا بھائی نکل آیا؛ تب اُس نے کہا، تو یہ کیسا شگاف ڈال کر نکلا! سو اُسی سبب اُس کا نام فارص رکھا گیا۔ اور بعد میں اُس کا بھائی نکلا، جس کے ہاتھ پر سرخ دھاگا تھا؛ اور اُس کا نام زارح رکھا گیا۔ پیدایش 30-38:27.

زارح به معنای نوری در حال طلوع است، و فارص به معنای رخنه کردن یا برون زدن است. هنگامی که فارص دوقلو، نور در حال طلوع نشانه نخ قرمز لاکی را بر دست برادر دوقلوی خود، زارح، می‌بیند، «رنخه می‌کند»؛ یعنی از بابل بیرون می‌آید. تشخیص زارح از نور در حال طلوع نخ قرمز لاکی، تسلیم دوقلوی آخراذ را به دوقلوی نخست‌زاد مشخص می‌سازد.

و ایشان از مشرق و مغرب و شمال و جنوب خواهند آمد و در ملکوت خدا خواهند نشست. و اینک، آخرین هستند که اولین خواهند شد، و اولین هستند که آخرین خواهند شد. لوقا ۲۹:۱۳، ۳۰

تاریخ پنهان هفت رعد، سه نشانه را مشخص می‌سازد. نخستین و آخرین نشانه‌ها یأس‌ها هستند. دوره میان نخستین یأس و پیام فریاد نیمه‌شب، زمان تأخیر است. از فریاد نیمه‌شب، که دومین نشانه است، دوره زمانی، زمان مهر شدن است. دوره‌ای که زمان مهر شدن است، با آخرین یأس پایان می‌یابد.

تاریخ پوشیده هفت رعد، سه نشانه را مشخص می‌سازد. نخستین و آخرین نشانه‌ها، گشوده شدن قبرها در هنگام زلزله است. دوره میان گشوده شدن نخستین قبر و پیام ندای نیمه‌شب، زمان تأخیر است. از ندای نیمه‌شب، که دومین نشانه است، دوره زمانی، زمان مهر و موم است. دوره‌ای که زمان مهر و موم است، با گشوده شدن آخرین قبر به پایان می‌رسد.

این دو شاهد سه گام تاریخ پنهان هفت رعد، به واسطه مرگ و قیام مسیح نیز مورد شهادت قرار می‌گیرند. نخستین گشایش قبر، به وسیله تعمید مسیح در قبر آبی نمادین گردید؛ آخرین قبر، صلیب بود. در فاصله میان تعمید مسیح و صلیب، مسیح پیام خود را اعلام کرد، و آن نمونه فریاد نیمه‌شب بود. او آن اعلام را در هزار و دویست و شصت روز به انجام رسانید. پس از صلیب، در شخص شاگردان خود، پیام فریاد نیمه‌شب برای هزار و دویست و شصت روز تکرار شد، تا هنگام مرگ استیفان.

دو شاهدِ مکاشفۀ یازدهم قدرت یافتند تا پیام ندای نیمه شب را به مدت هزار و دویست و شصت روز اعلام کنند. سپس کشته شدند و به مدت هزار و دویست و شصت روز در کوچه ها افکنده ماندند، تا آنکه دوباره به حیات بازگردانیده شدند و قدرت یافتند.

هم اگله مضمون میں ان حقائق کی تحقیق جاری رکھیں گے۔

«مگر آنکه جان حقیقتاً به سوی خدا بازگشت کند؛ مگر آنکه نفَس حیاتی خدا جان را به حیات روحانی زنده سازد؛ مگر آنکه معترفان به حقیقت به وسیلۀ اصلی آسمانی به حرکت درآیند، از آن تخم فسادناپذیر که زنده است و تا ابد باقی می ماند، مولود نشده اند. مگر آنکه بر عدالت مسیح به عنوان یگانه تضمین خویش توکل کنند؛ مگر آنکه سیرت او را سرمشق خود سازند و در روح او عمل نمایند، ایشان عریان اند و ردای عدالت او را بر تن ندارند. مردگان را غالباً به جای زندگان می گذرانند؛ زیرا آنان که آنچه را به زعم خود نجات می نامند، بر وفق تصورات خویش به انجام می رسانند، خدا را در خود ندارند تا در ایشان هم اراده پدید آورد و هم عمل، بر حسب رضامندی نیکوی خویش.»

«این طبقه به خوبی با وادی استخوان های خشکیده ای که حزقیال در رؤیا دید، نمود یافته است.»
Review and Herald, January 17, 1893.